فصلنامه‌ی مسکویه
سال ۶ شماره‌ی۱۹زمستان ۱۳۹۰

نسّاجی و نسّاجان یزدی در عصر صفوی

دکتر محمد کریم یوسف جمالی[۱*]، دکتر سید علی رضا ابطحی[۱]، سید منصور امامی‌میبدی[۱*]

چکیده

قدرتمند شدن دولت صفویه توسط پادشاهانی مثل شاه عباس باعث اتحاد سیاسی کشور و رونق تجارت و امنیت جاده ها، بازرگانی شد. صنایع پیشه وری به ویژه در اوایل قرن یازدهم گسترش یافت. همراه با حمایت سلاطین از منسوجات پارچه ای و گسترش تولیدکنندگان، این صنعت به تدریج به اوج اعتلای خود در تاریخ ایران رسید. در این میان، یزد که قدمتش در بافت انواع پارچه های مرغوب، به روزگاران اولیه اسلامی می رسید و از دوره ایلخانان به بعد نام آن در کنار چند مرکز مهم پارچه بافی ایران شهرت یافته بود و به چنان جایگاهی رسید که ماموری با عنوان کرک یراق، مسئول تهیه پارچه های مورد نیاز بازار از این شهر شد. حمایت حکومت مرکزی از کارگاه های نساجی موجب رونق اشتغال در صنعت نساجی شد و طراح برجسته ای همچون غیاث الدین یزدی که در تاریخ نساجی ایران بی نظیر بود، ظهور یافت که با عزیمت به اصفهان و ریاست بر کارگاه های سلطنتی به عنوان برجسته ترین طراح پارچه در تاریخ نساجی ایران شهرت یافت. در عصر صفوی دو ابتکار فنی در طراحی و بافت پارچه چندتایی و مخمل رخ داد که غیاث برجسته ترین استاد هردوی آنها بود.

---

۱. گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان، ایران
مسئول مکاتبه: yousefijamali2000@yahoo.com /Smem1349@gmail.com

تاریخ ورود: ۹۲/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۸

Archive of SID
www.SID.ir

واژگان کلیدی: نساجی عصر صفوی، نساجی یزد، غیاث الدین یزدی، کرک یراقی، زری بافی

مقدمه

یزد شهری است در قلب کویر که گرداگرد آن را ریگهای روان وصحراهای لم یزرع احاطه نموده است و مردمانش طی قرنها مبارزه و سازش با این طبیعت، موجودیت خود را حفظ کرده اند.

گرچه در تاریخ ایران، بُعد مسافت از کانونهای اصلی قدرت، روند تحّولات سیاسی و اجتماعی این شهر را کند نموده است، امادر عوض آن را از آرامش و امنیتی بهره مند می ساخت که لازمه رشد تجاری و صنعتی بود. از سوی دیگر همگام با هدایتِ بخش کشاورزی به تولید محصولاتی با ارزش تجاری و صنعتی، موقعیت مواصلاتی یزد نیز عاملی در تسریع ورود مواد خام و صدور کالاهای صنعتی بود. بنابراین با توجه به جایگاه برجسته نسّاجی در تمدن ایرانی، پژوهش حاضر می کوشد تا با تکیه بر اعتلای این صنعت در عصر صفوی، جایگاه و سهم یزد را در این فرایند با محوریت برجستگی منسوجّات پارچه ای آن در دربارهای ایران و سایر ملل و سبک خاص و مهارت بافندگان آن بررسی نماید.

با بررسی بر روی برخی نمونه های به دست آمده می توان به این نتیجه رسیدکه پارچه بافی درروزگاران کهن مرسوم بوده است حتی برش و دوخت آن نیز، معمول و رایج بوده است.

نفوذ گسترده راه ابریشم در بازرگانی ایران و قرارگیری محدوده وسیعی از شهرهای ایران بر سر این راه سبب ترقی روز افزون مناطق بر سر این راه می گرددو به طور تدریجی شهرهای جدیدی را در مسیر خود خلق می کند.این مسا له خود هم موجب رشد صنایع متعدد از جمله نسّاجی وپارچه بافی در ایران از جمله در یزد شد. اگر پی افکندن

www.SID.ir

شهر یزدرا به یزد گرد اول نسبت دهیم می توان احتمال داد که نخستین هسته تجاری شهر یزد مربوط به همین دوره بوده است.

علاوه بر آن در دوران صفوی، یعنی دوران طلایی در صنعت پارچه بافی ایران، ما شاهدحرکتی جهت بوجود آوردن یک طبقه هنرمند به صورت بافنده و طراح هستیم ؛از جمله ظهور هنرمند نامی غیاث الّدین که بدون تردید وی را می توان از بزرگترین هنرمندانی دانست که با تمام وجود به هنر عشق می ورزید و چنان در نقاشی بر روی مقوا برای تهیه نقوش پارچه مهارت داشت که اورا"غیاث نقشبند» می نامیدند.به هر حال فرضیه ای که مطرح است این است که یز دو هنرمندان یزدی در دوران صفویه نقش مهمی در رشد وشکو فائی هنر نسّاجی وطراحیایران ایفاء نمودند. پرسشهای مطرح شده در این مقاله به این صورت است:

۱- یزد درصنعت وهنرنسّاجی در زمان صفویه چه جایگاهی داشته است؟

۲-چه محصو لات مهمی در زمینه نسّاجی در یزد تولید می شده است ؟

۳-نقش غیا ث الدین یزدی در هنر نسّاجی چه بوده است ؟

بالندگی نسّاجی در ایران عصر صفوی:

بر مبنای آثار و اسناد بازمانده؛ میراث نسّاجی ایرانیان از روزگار باستان به دوران اسلامی منتقل شده است. از حیث طرح و نقش پارچه، به کارگیری نقش های گیاهی در اواخر دوره ی سلاجقه بزرگ، الگوهای ساسانی را کنار زدند(الوند، ۱۱۲: ۱۳۵۵) و طی قرون ۷-۸ ه.ق. با اسکان بافندگان و ورود آثار نقاشان چینی به دست مغولان(برت، ۱۳۴۶: ۲۱۶) این روند رو به تکامل نهاد. در دوره ی تیموریان نیز فزونی غنا و گیرایی در ترکیب طرح ها، عملا بستری فراهم ساخت تا این دست آورد کهن به نساجان عصر صفوی انتقال یابد.

هنرایرانی دردوره‌ی حکومت صفویه به‌اوج پیشرفت خود (دررشته‌های گوناگون) نایل آمد. هنرمندان ایرانی این عصر با تجربیات فراوانی که در زمینه‌های خطاطی، نقاشی و بافندگی از دوره‌ی

www.SID.ir

تیموریان کسب کرده بودندشاهکارهایی خلق کردندکه‌این آثارهریک دارای روش‌نوینی ازنظرسبک وشیوه‌به‌شمارمی آیند.

دوران‌درخشندگی‌وشکوفایی‌نسّاجی‌ایران(بعدازرکودچندساله‌حمله‌مغول‌وتیموریان) باآغازسلسله‌ی‌صفویه‌شروع‌وبه‌اوج‌خودرسید.دوره‌ی‌صفویه‌ازسال۹۰۷هجری(۱۵۰۲ میلادی)آغازمیشودودرسال۱۱۴۸ه.ق‌رسماپایان‌می‌پذیردتاشکوه‌وبزرگی‌وسازندگی دوران ساسانیان رابه ایران بازگرداند.

پس‌ازآنکه‌شاه‌عبّاس‌اول(۱۰۳۸-۹۹۶ ه ق)قدرت‌رادردست‌گرفت‌هندیان ازاوکارشناس واستادان‌رشته‌ی‌نسّاجی‌را(برای ارتقاءصنعت نسّاجی درهند)خواستارشدندوشاه متخصصان زریبافی, ترمه بافی, مخمل بافی را(که غیاث الّدین یزدی وپسرانش که دراین امور استاد بودند)به آن کشوراعزام کرد.

بافرستادن کارشناسان ایرانی به هندصنعت نسّاجی درهندبالاگرفت وصنعت گران هندرقیب سرسختی برای امرپارچه بافی ایران شدندزیرادرکوههای هیمالیا بزهایی پرورش مییافتندکه پشم بلندونرم ولطیف داشتندوهندیان بااستفاده ازاین الیاف توانستندپارچه های ظریف وزیبایی ارائه نمایندکه بازاررادردست گرفتند(طالب پور، ۲۱: ۱۳۸۶)

باپیدایش رقیب سرسخت یعنی هند در صنعت نسّاجی در مقابل ایران، پیشه وران وصنعتگران نسّاجی در ایران شکایت خودرابه شاه ارائه نمودند. شاه عبّاس باخریدابریشم ازچین وترمیم وراه اندازی جاده ابریشم وایجادطرحهای جدیدوتشکیل بیست وهشت هزارکارگاه بافندگی درشهرهای اصفهان,کاشان, شوشترویزدباسرمایه خودصنعت نسّاجی رانجات دادودرکلیه دروازههای خروجی وورودی شهرهااکیدامنوع کردکه هیچگونه ارزی ازایران خارج نشود ودرمقابل جنس ارائه شده پارچه های ایران راخریداری وصادرنمایند.این عمل باعث شکوفائی صنعت نسّاجی می شود. امادوره پرشکوه صفویه نه تنهاتمام واپسماندگی هاراجبران‌کردبلکه براثرحمایت بی‌دریغ شاهان صفوی ازهنرمندان وصنعتگران آنچنان توفیقی درزمینه پارچه بافی به دست آمدکه به راحتی میتوان پذیرفت که هنرمندان این دوره درصنعت پارچه بافی اعجازمیکردند. پارچه هایی

www.SID.ir

که دردوره صفوی وبخصوص دردرزمان شاه عبّاس کبیربافته شده است درتمام تاریخ هنرنسّاجی جهان نظیرندارد.

پارچه های تاریخ داردراین دوره به خوبی نشان میدهدکه دراین هنگام طرق جدید واصول‌فنی کاملامستقروپابرجاشده‌بودندوازروی‌نقاشیهای‌مینیاتورآن‌عصروهمچنین‌ازپارچه های فراوانی که ازدوران صفویه برجای مانده است.میتواندریافت که نقشه های بدیع وظریف اسلیمی تحول وپیشرفت شگفت انگیزی یافته وباگل وبته ونقش حیوانات که باهنرنمایی ولطافت خارق العاده ای تجسم یافته توام‌است که بارنگهای جالب ودرخشان درپارچه بافته میشد.

تزئینات این پارچه هاعمومااز‌موضوعات داستانهای شاهنامه ومنظومه های شعرای معروف ایران ویامناظری که شاهزادگان واشراف رادرشکارگاه هاوبزم های شاعرانه نشان میدادانتخاب‌میشد.بنابرقولی‌صادرات‌سالانه‌ابریشم‌پارچه‌های‌ابریشمی‌دراین‌دوره ۲۲۰۰۰ مدل‌بود(طالب پور،، ۱۳۸۶: ۲۲)

مراکزتولیدپارچه دردوره صفویه

بهترین مراکزنسآجی دردوره صفویه تبریز, هرات, یزد, اصفهان, کاشان, رشت, مشهد, قم , سلطانیه,اردستان‌وشیروان‌بود.امایزدوکاشان‌واصفهان‌شهرت‌بیشتری‌داشتندونیزیزددر بافتن به تصاویر انسان مزین میشد, شهره بود(پوپ ۱۳۳۸، : ۱۹۱)

ازنسّاجان معروف این دوره که اسامی آنان بعنوان هنرمندان بزرگ دوره صفویه باقیمانده است عبارتنداز: غیاث, عبدالله بن غیاث, حسین بن غیاث, یحی بن غیاث, معزالدین غیاث, آبان محمد, محمدخان کاشانی, علیخان کاشانی, اسماعیل کاشی, معین, آقامحمود‌اصفهانی, مغیث اصفهانی زیور(پوپ، ۱۳۳۸: ۱۱).

Archive of SID

www.SID.ir

طرح ونقشه پارچه هادردوره صفویه

طرح‌ونقشه‌پارچه‌های موردبحث ازروی زندگی آن عصروهمچنین ازمضامین لطیف ادبی اقتباس‌میشد.ازمتداولترین‌نقشهای‌تصویرلیلی‌ومجنون‌ونقشه‌گل‌وبرگ‌وپرندگان وحیوانات بود. تهیه این قسم پارچه هادرزمان شاه عباس که بیش ازدیگرپادشاهان صفوی به صنعت وازجمله پارچه بافی علاقه داشت توسعه فراوانی پیداکردوغیرازکارگاههای یزدوکرمان وکاشان که مدتهابه نام پارچه های ابریشمی درسراسرجهان معروف بودند. شاه عبّاس دراصفهان نیزکارگاههای بافندگی دایرکردکه انحصاراپارچه‌های دربارراتهیه می نمودند.

شایدمهمترین امتیازدوره صفویه نسبت به دوره های دیگرازنظربافندگی نزدیکی فراوان هنرنقاشی باصنعت بافندگی بودوازتطابق پارچه هاونقاشی های آن دوره به خوبی میتوان فهمیدکه طراحان پارچه های عالی همان نقاشان معروف بودندکه حتی همان رنگهای کدروملایم که درنقاشیهای صفوی مرسوم بود. برای اولین باردرپارچه بافی تجلیکرد. یکی دیگر از امتیازات مهم پارچه های صفوی بکار گرفتن رشته طلا در پارچه می باشد که اصطلاحا زری دوزی وزری بافی نامیده شده است. اگر چه این شیوه در دوره های پیش از صفویه نیز معمول بود ولی توسعه آن در زمان صفویه به پایه ای رسید که بسیاری از محققین آنرا ویژه همین دوره دانسته اند(صدری ۷۵: ۱۳۷۸)

با تاسیس سلسله صفوی وایجاد اتحاد سیاسی کشور، بازرگانی و تا حدی صنایع پیشه وری به ویژه در ربع قرن یازدهم، گسترش یافت. با رشد شهرنشینی، اکثر پیشه وران به بافندگی و رنگرزی روی آوردند و علاوه بر شاه، تجار و پیشه وران شهری و روستایی نیز در تولید و فروش بسیاری از فراورده های پارچه ای سهیم شدند(فوران، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۱). بدین ترتیب در تبدیل بافندگی به محور صنایع ایران و ارتقا بافندگان پارچه در ردیف قدرتمندترین اصناف زمان صفوی میتوان عوامل چندی را دخیل دانست:

- حمایت سلاطینی چون شاه اسماعیل اول از تولید پارچه های ابریشمی و نخی و کنترل دقیق شاه عبّاس اول بر سازمان ابریشم بافی کشور(مک داول، ۱۳۷۴: ۱۶۰-۱۵۹)

Archive of SID

www.SID.ir

– فراوانی ابریشم(شاردن، ج ۴: *۳۵۶: ۱۳۳۶*) و توجه شاهان صفوی به تجارت و کنترل سازمان خرید و فروش آن، خاصه در زمان شاه عبّاس اول(تاورنیه، ۱۳۶۹: ۴۰۱)

– اقبال شاهزادگان، اشراف و امرا به بافته های داخلی و استفاده از پارچه های گرانبها در تزئین کاخها و چادرهای سفیر(سانسون، ۵۹: ۱۳۴۶)

– حمایت شاه عبّاس اول از هنرمندان بزرگی که به دلیل عدم تشویق و نداشتن امکانات، در گوشه انزوا به سر می بردند(بهشتی پور، ۱۸۲: ۱۳۴۳)

– امنیت و آسایش عمومی به ویژه در دوران شاه عبّاس اول که به همراه رونق تجاری، منجر به ثروتمندی ایرانیانبرای تهیه منسوجات گران قیمت شد(آکرمن،، ۱۸: ۱۳۶۳)

– تقلید متن جامعه از بزرگان اشراف در نوع پوشش، تا حدی که دوته ونه می نویسد: با آنکه رخت و لباس ایرانی ها خیلی خرج دارد، ولی باز ایشان پوشاک خود را زود به زود عوض می کنند و در حالی که ترک ها لباس خود را چند سال می پوشند، ایرانی ها همین که لکه ای بر لباس آنها بیفتد، آن را کنار می گذارند(ونه،، ۶۳: ۱۳۵۳)

بدین ترتیب با افزایش تقاضا، کارگاه های سلطنتی برای تامین احتیاجات دربار به وجود آمد(کمپفر،، ۱۳۶۰: ۱۵۰) وبر کار خود افزودند و مقدار عمده ای از تولیدات بافندگی آنها به بازارهای اروپا و روسیه حمل می شد(زکی،، ۱۳۶۳: ۲۴۱)

پیشینه ی نسّاجی در یزد تا عصر صفوی

از آنجا که در عصر صفوی نساجان یزدی میراث گذشته خود را به عالی ترین سطح ارتقا بخشیدند لذا پیش از بحث درباره ابعاد این شکوفایی، بررسی دو نکته اساسی ضروری است: نخست: عوامل موثر در اقبال و گسترش صنعت پارچه بافی در یزد و دوم سیر تاریخی این صنعت تا دوران صفوی.

در بعد نخست، میتوان به عوامل زیر اشاره کرد:

– امنیت و ثبات نسبی در حیات سیاسی و اجتماعی، نه تنها در رشد تجارت و صنایع مهم می نمود بلکه صنعتگران بسیاری را از دیگر مناطق به یزد جذب می کرد،

www.SID.ir

– به رغم شرایط نامطلوب اقلیمی در تکیه اهالی به اقتصاد زراعی، موقعیت مواصلاتی و پیوند با حوزه های تجاری ایران زمینه مساعدی را در گسترش تجارت و صنایع یزدفراهم می آورد.

– با توجه به نبود تکافوی کشاورزی به عنوان اقتصاد برتر، فضای تجاری و صنعتی موجوددر یزد زارعین یزدی را به تربیت درختان توت برای تهیه ابریشم خام هدایت کرد(ایرانشهر، ۱۳۴۳: ۱۴۳۶)

– یزد به عنوان نماد برجسته تمدنهای کاریزی، حائز برجسته ترین ویژگی آن یعنی توسعه صنایع دستی بود(پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹: ۱۸)

– بنابر مقتضیات اقتصاد تجاری، وجود طبقه ای از تجار در منطقه، از دو سو به توسعه نسّاجی یاری می رساند: الف ورود مواد خام مورد نیاز از دیگر مناطق. ب: صدور منسوجّات تولیدی.

بر پایه شرایط مذکور هر چند قدمت نسّاجی یزد را میتوان تا قرون نخستین اسلامیوحتی قبل آنرساند، اما از دوره ایلخانان به بعد، یزد در کنار چند مرکز مهم پارچه بافی ایران تر قی بسیار زیاد تری میکند(اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۳۴، ابن بلخی، ۱۳۷۴، ۲۸۷)

در واقع به رغم موج تخریبی یورش مغولان نه تنها یزدمورد تهاجم مستقیم قرار نگرفت بلکه به واسطه امنیت نسبی و موقعیت جغرافیائی اش محل امنی برای بسیاری از اندیشمندان و دیگر گروه های اجتماعی نیز بود. طی این فرایند بعید نیست که به دنبال ویرانی مراکز عمده پارچه بافی، در زمره صنعتگران این مناطق تعدادی از نسّاجان نیز به یزد مهاجرت کرده باشند.

بدین ترتیب، مطابق با اسناد موجود، یزد در دوره ایلخانان و متعاقب آن آل مظفر، در ردیف شهرهایی چون تبریز، سلطانیه، کاشان و نیشابور به یکی از مهمترین مراکز بافندگی ایران خاصه منسوجاّت ابریشمی ارتقا یافت(قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۳۹ وهمدانی، ۳۴: ۱۳۶۸). متعاقب با این دوران، در عصر تیموری نیز هر چند شرق ایران از حیث سیاسی و

Archive of SID

www.SID.ir

فرهنگی زبانزد بود اما شهر یزد نیز همپای مناطقی نظیر خراسان و سمرقند به یکی از مراکز معتبر ابریشم بافی ایران مشهور گردید(آکرمن، ۱۳۶۳: ۸-۹)

در این مقطع، یزد با برقراری ارتباط تجاری با گیلان از طریق استرآباد – برای وارد کردن ابریشم، -(کاتب، ۲۵۳۷: ۷۰)، کاشت انبوه درخت توت، تولید ابریشم و انواع پارچه های ابریشمی(حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۱۰)، پنبه ای، تافته کرپ،(کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۷) نیز دیگر بافته های متنوع ابریشمی(قاری، ۸۷: ۱۳۰۳) به چنان موقعیتی دست یافت که پارچه های تولیدی آن را به هند و جغتای و چین و ماچین و بخشی از ختا و بروسه و ترکستان(باربارو، ۱۳۴۹: ۸۲) صادر می کردند. همچنین شهرت زربفت های یزدی و پارچه هایی از ابریشم خالص، باعث نامبرداری یزد به عنوان یکی از معتبرترین مناطق زربافی ایران گردید(زکی، ۱۳۶۳: ۲۴۰)

بالندگی نسّاجی یزد در عصر صفوی

به رغم آنکه در دوران صفوی حیات سیاسی یزد با رخدادهایی همچون: شورش رئیس محمد کَره(امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۳۳) میرمیران و بکتاش خان(جنابدی، ۱۳۷۸: ۶۷۹-۶۷۸)و حاکم لر کوچک(ملک رستم)(عالم آرای شاه اسماعیل: ۱۳۴۹ و عالم آرای عبّاسی: ۱۳۵۰) و بویای سلطان ازبک(عالم آرای عباسی) و امیرحسین کیای چلاوی(شوشتری، مجالس المومنین)در اواخر سلطنت محمد خدابنده و حملاتی چند از سوی ازبکان در آمیخت.اما در کل دفع سریع این بحرانها و تبدیل چندین باره به ایالت خاصه(رهربرن، ۲۵۳۷، ۱۷۸-۱۷۷) خود دلیلی است بر پایگاه سیاسی نبودن یزد در چارچوب تحولات ایران. به دیگر روی جایگاه صنعت نسّاجی و موقعیت تجاری و جغرافیایی یزد در سرحدات عراق عجم، از مهمترین عناصری بودند که سلاطین صفوی را به حفظ نظم و آرامش در آن فرا می خواند.

براین اساس اهمیت نسّاجی یزد را میتوان از زوایایی چند مورد توجه قرار داد:

Archive of SID

www.SID.ir

الف: نقش تجار و حکومت در توسعه نسّاجی

بنابر اطلاعات موجود در روزگار صفوی بافندگی یکی از مشاغل اصلی اهالی یزد بوده است(آذر بیدگلی، ۱۳۳۷: ۲۶۶) گستره این شغل به حدی وسیع بود که اشاره جامع مفیدی به احداث بازار"علاقه بندان»(مستوفی بافقی، ۱۳۸۸: ۱/ ۳۷۳) برای عرضه انواع دستبافها، ابریشم کلاف، نوار و زانوبند(تاورنیه، ۱۳۶۹: ۳۹۱) شغل"شودمالی» که مربوط به آهار پارچه بوده و در اصطلاح محلی به شومالی معروف بود. وجود عناوین خانوادگی نظیر: مخمل باف، نقش بند، علاقه بند فزری باف و حریر باف و هدایت کشاورزی به تولید بخشی از مواد خام مورد نیاز نسّاجی را میتوان به عنوان نمادهایی از برجستگی این صنعت به شمار آورد(افشار، ۱۳۷۴: ۱۴۳/۲)

در این میان نه تنها تجار یزدی نقش بارزی در تهیه ابریشم خام از نقاط دوردستی چون مازندران ویااسترآباد و خراسان داشتند، بلکه نظارت و حمایت حکومت مرکزی از کارگاه های نسّاجی نیز نقش قابل توجهی در تشویق اهالی به اشتغال در این صنعت داشت. در کنار نظارت مذکور، که حتی تطور و دگرگونی تولیدات را نیز شامل می شد و حکومت از طریق کارگاه های سلطنتی، نقوش طرحهای مورد نظر را مورد تایید قرار می داد.عامل دیگر رشد نسّاجی در یزد، خاصه در دوران شاه عبّاس اول را میتوان به واسطه رونق تجارت و امنیت جاده ها دانست(اکرمن، همان: ۴۹)

بر مبنای جایگاه تجاری و موقعیت مواصلاتی تجار یزدی از دو سو به توسعه بافندگی یاری می رساندند: نخست تهیه مواد خام مورد نیاز و دیگری صدور و معرفی کالاهای تولیدی، تجار ابریشم، مواد اولیه را در چرخه ای سنتی به توزیع کنندگان می فروختند و آنها این مواد را در اختیار صاحبان کارگاه ها قرار می دادند. در هر کارگاه نیز تعدادی بافنده حقوق خود را برحسب هر ذرع پارچه دریافت می کردند و بدین ترتیب چرخه تاجر توزیع کننده صاحب کارگاه و بافنده عمومی ترین ساختار اشتغال داخل شهر یزد را تشکیل میداد(اکرمن، همان: ۵۰)

Archive of SID

www.SID.ir

بدین ترتیب در زمینه وجود شرایطی مطلوب جهت گرایش عمومی به بافندگی، نه تنها تولید انواع منسوجات برای طبقات مختلف اجتماعی رو به فزونی نهاد(یاوری، ۱۳۸۰: ۷۰) بلکه به واسطه مرغوبیت و مهارت بافندگان در تولید پارچه های زربفت، مخمل، اطلس، کمخا- نوعی جامه نفیس و منقش و یک رنگ،(قاری، ۱۳۰۳: ۲۰۳) الجه- مخفف الاجه ترکی و جامه ای راه راه و رنگارنگ-(قاری، همان: ۱۹۶) سلاطین صفوی آنها را به عنوان هدیه برای شاهان سایر ملل می فرستادند(افشار، ۱۳۵۴: ۲۹۸)،(نک: به فرمان شاه طهماسب اول در مجلس پذیرایی او از همایون پادشاه هند، اطلس یزدی مورد استفاده قرار گرفت.)(نوایی، ۱۳۶۸: ۵۵، و بیات، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۵)

ب: منصب کِرک یراقی و مال التجاره پارچه

در تذکرهٔ المّلوکبه هنگام بحث از وظایف مستوفیان و مشرفان، چهار مرتبه از اجناس ارسالی کِرک یراقان سخن به میان آمده است(میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸) درباره وجه تسمیه این لغت ترکی مینورسکی آن را مرکب از دو جز Garak یعنی لازم و ضروری و yaraq از ریشه yaramaq به معنی مفید بودن می داد که در ترکیب به معنای حامل و رساننده ملزومات یا اسلحه است(مینورسکی، ۱۳۶۸، : ۲۱۸)

این اصطلاح که در کتب تاریخی عصر صفوی و حتی آق قویونلوها به کرات آمده گویا حوزه وسیعی از تهیه و تدارک مایحتاج نظامی تا تهیه پارچه و ساز و برگ چرمینه قشون را در بر می گرفته است(منصوری، ۲۵۳۷: ۵۵). همچنین با توجه به آنکه در تذکرهٔ الملوک همراه با اجناس تحویلی کرک یراقان، صاحبان حرف خیاطی و شَعر بافی و زین سازی هم یاد شده اند و با کرک یراقان ارتباط یافته اند(همان: ۵۶) لذا میتوان حدس زد این منصب برای تامین انواع مختلف پارچه و سایر اشیا مصرفی و قیمتی ایجاد شده است(رهبرن ۲۵۳۷: ۱۸۳-۱۸۴) و کرک یراق ها بصیرت و تخصص والایی در شناسایی کالا داشتند(مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۱۸) بدین ترتیب در ولایات خاصه همگام با وزرا و

Archive of SID

www.SID.ir

عمال دیوانی که موظف به تهیه مایحتاج دربار بودند کرک یراقها نیز به عنوان متخصصین پارچه، مامور تشخیص مرغوبیت کالا و ارسال آن به حکومت مرکزی بودند.

وجود چنین منصبی را در یزد از دو وجه میتوان محل توجه قرار داد: کیفیت محصولات و قرار داشتن در حوزه اراضی خاصه که گویی کرک یراقها بخشی از مالیات منطقه را از طریق پارچه تامین می کردند(همان: ۲۱۷).براین اساس اشاره جامع مفیدی به فردی با نام میرزا خلیل اله که در ۱۰۳۴ه. ق مقام جلیل المرتبه وزارت و کرک یراقی و تصدی خالصه و حکومت مجوسیان و مهم استیفای دارالعباد یزد را دریافت نمود مشعر بر آن است که این منصب در ردیف وزارت و استیفا به نوعی با امور مالی سر و کار داشته است(مستوفی بافقی، ۱۳۳۸: ۱۹۰/۳) بدین ترتیب اگر بپذیریم با توجه به اشتغال اکثریت اهالی بخشی از مالیات یزد را کرک ۳۴۰ه ق یراق ها با دریافت پارچه تامین می کردند آنگاه نمی توان ادعای مستوفی بافقی در ایجاد این منصب را پذیرفت. چنانکه اطلاعات سایر منابع نیز مبین آن است که پیش از آن، در زمان شاه طهماسب اول، میرزا ابوطالب، از سادات برجسته کاشان و محمدی خان کرج در ۹۹۹ ه.ق از سوی شاه عباس به عنوان"وزارت و کرک یراقی دارالعباده یزد»(همان: ۵۴۴) رسیده بودند(کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۹۱)به هر روی وجود شرایط مطلوب درتامین ابریشم مورد نیاز تعدد کارگاه های نساجی و مهارت نساجان در طراحی و بافت فنی پارچه باعث شد تا یزد نه تنها به عنوان یکی از مراکز تهیه ملبوسات درباریان و امرا به شهرت رسد بلکه با رونق تجارت به ویژه در پادشاهی شاه عباس اول پارچه به عنوان یکی از مهمترین کالاهای صادراتی یزد تبدیل شود.مطابق با طومار فهرستی از کاروانسراهای موجود در اصفهان که در آن به اسامی چندین کاروانسرای یزدی نیز اشاره شده است میتوان به تنوع پارچه های صادراتی یزد پی برد. بنابر اطلاعات منبع مذکور در کاروانسرای یزدیان واقع در میدان شاه، بزازان دولتمند، حجره داشتند و متاع های خوب، از زربفت و مندیلهای زرتار و هر جنس پارچه عرضه می کردند(افشار، ۱۳۷۶: ۵۵۴). همچنین در کاروانسرای خواجه محرم واقع در

Archive of SID

www.SID.ir

میدان شاه پارچه هایی چون الجه و تفصیله(همان: ۵۵۴) و در کاروانسرای بزار سراجان، پارچه ای موسوم به"آستر یزدی» به معرض فروش گذاشته می شد(همان: ۵۵۵)

پارچه های یزد از حیث طرح و سبک

با شکل گیری همکاری میان نقاشان و طراحان پارچه، از دوران ایلخانی و رشد این فرایند با تاسیس مراکز فرهنگی هنری در شهرهای تبریز، هرات و سمرقند در عصر تیموری میراث مذکور در دوران صفوی به عالیترین سطح خود ارتقا یافت(روح فر، ۱۳۸۰، : ۳۳)

بدین ترتیب، تمایل شدید طراحان به جنبه تصویری و نقش و نگار به یکی از مهمترین ویژگیهای نساجی عصر صفوی تبدیل شد و با تزئین منسوجات به نقش گلها و شاخ و برگ گیاهان، نخل های بادزنی، چشم انداز گلزارها، پرندگان، آهوها و نقش ابرهای چینی(رمضانخانی، ۱۳۸۷: ۳۶) طراحی پارچه در سه تصویر انسان، زری نوشته دار و داستان نمودار گردید(برزین، ۱۳۴۶: ۴۴).

از طرح تصویر انسان غالبا برای تزئین پرده استفاده می شد. از زری نوشته دار برای روپوش قبور یا پرده هایی که مقبره ها یا اماکن مقدس را پوشش می داد و در طرح داستان استفاده از قصه های رزمی و بزمی مقتبس از دواوین شعری، مورد توجه بود.

براین اساس هر چند طراحان یزدی نیز همگام با ظهور سبکهای هنری در طراحی پارچه با ارائه الگوهایی خاص باعث شناسایی منسوجاّت خود شدند(بهشتی پور، ۱۳۴۳: ۱۶۳).اما در مجموع نمیتوان کل طرحهای آن را بدیع و مختص به یزد دانست. به عبارت بهتر از آنجا که بخشی از نقوش یزد برگرفته از آثار طراحان تبریز بود ناپایداری اوضاع این شهر تا دوران شاه عبّاس و کمبود الیاف و قطع ناگهانی کارهای پیشین نه تنها موجب انحطاط پارچه های اطلسی مشهور تبریز شد بلکه به تبع آن کارگاه های یزد نیز که مهمترین خریدار نقوش تبریز بودند از طرحهای جدید محروم شدند(آکرمن، ۱۳۶۳: ۴۴). این موضوع به همراه وابستگی بافندگان یزدی به حکومت مرکزی، و ارائه نقوش مورد نظر از طریق کارگاه های سلطنتی باعث رکود و تکرار طرحهای قدیمی تا سال ۹۹۳ه.ق.

Archive of SID

www.SID.ir

شد(همان: ۴۹) در واقع هر چند به واسطه عوامل یاد شده یزد نیز همچون دیگر مراکز نسّاجی ایران دچا ر رکودی چشمگیر در طراحی پارچه گردید اما پذیرش چنین قضاوتی بیشتر در قیاس با عصر طلایی نسّاجی یزد، به روزگار شاه عباس اول مصداق می یابد. از این گذشته ارائه طرحهای بدیع در کارگاه های غیر دولتی که استادکار میتوانست به دلخواه نقاشی را به استخدام در آورد و حتی احتمال عرضه برخی نقوش به کارگاه های سلطنتی باعث شد تا در دوران مذکور پارچه هایی به سبک و نقشه پارچه های تولیدی یزد به سایر نقاط ارسال گردد.

به هر روی در تصویری کلی برجسته ترین ویژگی طرحهای یزد را میتوان در موارد زیر بیان کرد:

– استفاده از تصویر زنبور بر روی پارچه ای به نام"صالحه» که بافتی دولا داشت که خود مبین ابتکار خاص هنرمند است(همان: ۷۳)

– طرح بوته پیچک که به حالت یکی در میان با تصاویر، تکمیل می گردید،(همان: ۷۵)

– طرحی که در آن پودها به سمت پشت پارچه با استفاده از نخهای ضخیم و شل بافت برگشته و ضمن ارائه ظاهری بسیار ظریف و زیبا، ویژگی مختص یزد به شمار می رفت(همان: ۷۶)

– طرح پیچک شیپوری شکل سفید رنگ و مزین به گلهای سرخ(همان: ۷۶)

– تغییر شکل در طرح پارچه های مخمل که عمدتا شامل گیاهان تخیلی بوده و اغلب منشا آن بوته های پیچک بود(همان: ۷۶)

– استفاده از نقوش پیچک نیمه طبیعی و نیمه تخیلی در اندازه های بزرگ بر روی پارچه های مخمل با زمینه سرخ عظمت این کار در آنجاست که نه تنها هیچ گونه ناهنجاری در این طرح به چشم نمی خورد بلکه دارای نوعی حالت موزون بوده و این خصیصه به واسطه استفاده از مواد اولیه مرغوب به مراتب افزایش یافته است(همان: ۷۸)

Archive of SID

www.SID.ir

– پرزدار کردن زمینه پارچه و به کارگیری نقوش فاقد پرز بر روی آن که نوعی حالت تکمیلی و جالب توجه به طرح پارچه میداد(همان: ۷۸)

– پیاده کردن طرحهای گیاهی بر روی پارچه ای که در بافت زمینه آن از نخ های نقره ای استفاده می شد در این طرح پارچه به وسیله دستگاه های بافندگی معمولی و به شیوه مرکب یافته شده و تمایز آن با نمونه بافت اصفهان و کاشان در پهن تر بودن پودهای به کار رفته بود(همان: ۷۸)

غیاث الّدین یزدی، برجسته ترین طراح پارچه

یکی ازبرجسته ترین استادان این فن ظریف،«خواجه غیاث الّدین علی نقشبندیزدی»است که ازسیماهای مشخص هنربافندگی درایران به شمارمیرود. خواجه غیاث معاصرشاه عباس بزرگ وازنواده های"مولاناکمال خطاط»مشهوربه"عصار»که ازخوشنویسان معروف عهدخودبه شمارمیرفته بوده ومیتوان گفت غیاث، ذوق هنری خودرا ازاوبه ارث برده است.در"مجمع الخّواص»و"تذکره نصرآبادی»و"تذکره آتشکده آذر» و "تاریخ یزد»نوشته "احمدطاهری» وچند منبع دیگر، شرح حال مختصری ازغیاث نقشبندآمده است ولی مشروح ترین ترجمه حال اورادر"جامع مفیدی»که درتاریخ یزد است میتوان یافت. ازآنچه"محمدمفیدبافقی»درشرح حال این هنرمنددرکتاب اخیرمینویسد: چنین برمیآیدکه غیاث دراوایل جوانی به دربارشاه عبّاس راه یافته بودودرهمانجابه خوشی ونشاط تمام، روزگارمیگذرانیده است. خواجه غیاث علاوه برمهارت درفن زری بافی ومخمل بافی ونقاشی ونقشبندی آنها "به فصاحت بیان وطلاقت لسان وحدتفهم ولطافت طبع، موصوف ودرتحصیل کمالات وتکمیل اسباب بزرگی وسعادت ازسایرابناءروزگار، معروف وممتازبود. مولف جامع مفیدی مینویسد: "خواجه غیاث الدین علی درفن نقشبندی، عدیل ونظیرنداشت وپیوسته به قلم اندیشه، امورغریبه وصورعجیبه برصحایف روزگارمی نگاشت واقمشه نفیسه به اتمام میرسانیدودرآنکاربه مرتبه ای بلندآوازه گشت که پادشاهان عالی شأن ونافذ"هند»و"ترک»و"روم»، تحف وهدایا به جهت اوارسال فرموده، اقمشه ای

www.SID.ir

که درکارخانه طبیعت اوبه اتمام رسیده بود، طلب مینمودند. «صادقی بیک افشار» درمجمع‌الخواص،نامی‌ازخواجه‌غیاث نقشبندبرده ،اورا اهل"شیراز»وازاولاد"سعدی»معرفی مینمایدومینویسد:"هنرهای‌زیاددارد.اولاًدرفن‌نقشبندی‌وشعربافی‌میتوان‌نادردوران وفرید زمانش‌خواند.شاهان‌وشاهزادگان"ایران»و"توران»،کالای‌اختراعش‌راطالبند.درچابکـــــی‌و نیرومندی‌وکمانگیری‌نظیرنداردوبااین‌حال‌کم‌آزاروم‌هربان‌است.

حقیربعدازشکست"استرآباد»دریزدبه‌خدمتشان‌رسیدم.علاوه‌برهمدمی‌به‌شرف هم‌خانگیشان هم‌نایل‌شدم. اگریکروزمهمان نمیداشتند، آنروزطعام وشراب برایشان گوارانمیشد..... همه‌گونه‌شعرمیگویدوچنان‌بدیهه‌گواست‌که‌صدبیت‌مسلسل میگویدوشنونده نمیفهمدکه بالبدیهه گفته است. متجهد وشب زنده داراست.نقاشی آبرنگی برسقف کاخ چهلستون اصفهان نمایش دهنده مهمانی یا بزم شاه عباس اول برای ولیمحمدخان-پادشاه ترکستان-یاخان ازبک؛لباس زربافت فاخرشاه عبّاس که حتی بالباس شاهان دیگرممالک نیزقابل مقایسه نیست بافته هنرمندگران سنگ غیاث الّدین علی نقشبندیزدی است؛پارچه هاولباسهای بافته کارگاههای استادغیاث راشاه عبّاس به عنوان تحفه به سران دیگرممالک میدادیابرای آنان میفرستاد. خواجه غیاث براثرتوجه پادشاه صفوی وبزرگان کشور، عزت فراوان یافته وزندگی پرجلال وشکوهی داشت(مستوفی بافقی، ۴۲۹/۳). جناب خواجه غیاث الّدین علی همواره مقبول سلاطین ومتبوع خوانین نافذفرمان می بودودرزمان جهانبانی خاقان گیتیستان، شاه عباس ماضی، منظورنظرکیمیااثرآن حضرت گشته وازسایرمقربان درگاه ومصاحب انبارگاه فلک اشتباه به مزیدقرب ومنزلت، امتیازیافت وبه مجالست مجلس اعلی، سرافتخار به اوج مباهات می افراخت.خواجه غیاث الدین علاوه برهنرنقاشی وبافندگی درشاعری نیزدست داشته است و پیوسته ابیات ظرافت آمیزواشعارمزاح انگیزبرلوح بیان مینگاشت ومطالب خودرانظم نموده، به خدمت پادشاه سرافرازعرض مینمود.

چنانچه درباب طلب مواجب دراین رباعی درج نموده:

ای ازتوفروغ چشم خونبارمرا ای عقده گشای ملک ایران کهن

www.SID.ir

بگشابه نگاهی گره کار مرا امسال بده مواجب پارمرا

مشهوراست که زربفت مشجری تمام کرده بودکه صورت خرسی نقش شده بود؛به خدمت خاقان گیتیستان برد؛"ابوقرداش»که درکمال شوخی بوده بعدازمشاهده زربفت، تعریف خرسی راکه بافته شده میکند. خواجه غیاث دربدیهه میسراید:

خواجه درخرس، میش میبیندهرکسی نقش خویش میبیند

وقتی زربفتی تمام کرده درحاشیه آن این رباعی راکه زاده طبع اوست نقش نموده:

ای شاه سپهرقدرخورشیدلقااین تحفه به نزدچون تویی عیب منست

خواهم زبقابه قدعمرتوقباخواهم که بپوشی زکرم عیب مرا

شاهدرجوابفرمود: چشم، میپوشم.[۱](مستو فی بافقی، همان: ۲۲۳ورمضانخانی، همان: ۴۳/۴۱)

پارچه زری برای روپوش قبرباطرح محرابی کتیبه دار، اثرذوق خواجه غیاث الدین علی نقشبندیزدی، بافته شده بهسال ۱۰۰۰ ه.ق. برابربا ۹۷۱ ه.ش. برابرباآخرقرن ۱۰؛درحاشیه این پارچه صلوات برچهارده معصوم به خط ثلث بافته شده است؛درترنج بالای طرح کلمه الله آمده که درون حروف این کلمه مقدس سوره فاتحه واسم بافنده به صورت عمل غیاث بافته شده است؛طول این تابلوپارچه ۲۳۵ سانتیمتراست. خواجه غیاث دراصفهان کارخانه زری بافی ومخمل بافی سلطنتی را اداره کرده، علاوه برنقشبندی، خوددربافت پارچه هانیزشرکت میکرده است. شیوه طراحی ونقشبندی غیاث الدین ازطرحهای قرن دهم یعنی دوره اول سلطنت صفویان اقتباس شده است وخود اوموجد دوابتکارفنی بافت پارچه های«چندتابی»و«مخمل»بودهاست. چندتابی، پارچه ای است که درآن دویاچندپارچه ساده راچنان درهم میبافندکه گویی هریک مستقلاست، امابه طوری باهم جورشده اندکه طرح گل وبته رابرجسته وروشن جلوه میدهندواینطرزپارچه بافی برای بافت ونمایش دشوارترین وپیچیده ترین طرحهاوتصاویربه کارمیرود. خواجه غیاث بادرآمیختن سه پارچه به رنگهای سبزوسرخ وسفید، قابهایی ایجادکرده که درآنها نه تنهاگلهای ظریف وپرندگان وجانوران طبیعی، بلکه نقش شاهزاده جوانی رادرحال

Archive of SID
www.SID.ir

استراحت درباغ نشانداده است. به گواهی آثاربازمانده، غیاث درایجادطرحهای گوناگون ونقل آنهابرروی پارچه، مهارتی بسزا داشته ودراین رشته درایران بینظیربوده وکسی به پای اونرسیده است(رمضان خاتی، همان: ۱۷۰)

گویاداستان عاشقانه"لیلی ومجنون»، این استادراکه درعین حال، شاعروبافنده وطراح بوده، سخت مجذوب خودساخته بود.زیرا برروی پارچه اطلسی که رقم این استادرادارد، لیلی رادرحالیکه درکجاوه ای برروی شترازبیابانی میگذردومجنون باتنی لاغردرکناری نشسته وباجانوران الفت گرفته رابالطف خاصی نشانداده است. گرچه فراوانی گل وبوته هادراطراف این طرح، مانع ازجلوه صورت انسانهااست واین باغرض اصلی بافنده که زینت پارچه بوده است مغایرت ندارد، ولی همین طرح ونقش کوچک، آنچنان لطف وزیبایی طبیعی داردکه بارهاموضوع اصلی طراحی قرارگرفته است. مخملهایی که برروی آنهانقش انسان بافته شده نیزبه همین سبک است وهرچندتنهادوقطعه ازاین مخمل هادارای رقم غیاث میباشندولی ازروی شیوه کار، همه رامیتوان ازاودانست. امروز، بیش ازهشت قطعه ازبافته های غیاث که دارای رقم اواست دردست نیست ودرآن میان، دوپارچه ابریشمی ودومخمل دیده میشود. خواجه غیاث پس ازمدتهازندگی درشهراصفهان واداره کارخانه های زری بافی شاه عباس بزرگ به زادبوم خود، یزد، مراجعت کرده وبه قول مولف جامع مفیدی: "به جهت سکنی دردار فنا در"باغچه دارالشفای صاحبی»عمارات عالی درغایت تکلف وصفابه اتمام رسانیدو... درایام زندگانی درآنجا ماوی داشت(مستوفی بافقی، همان: ۱۷۲)

خواجه غیاث پس ازسپری شدن روزگارجوانی به قول صاحب جامع مفیدی: "توفیقات ازلی شامل حال اوشده، زبان به اداء `توبواالیالله` گویاساخته، عن صمیم القلب ازجمیع مناهی توبه نمود." وچنین پیداست که خواجه دراواخرعمرخودبه زهدوانزواگراییده وبه سرودن اشعاری که اندکی بوی تصوف ازآنهااستشمام میشود، پرداخته است وگویادراین زمان، سن اوبین شصت وهفتاد بوده واین معنی راازرباعی زیرکه ازاوست میتوان استنباط کرد:

www.SID.ir

افسوس که رفت حاصل عمربه باد ای پیرخرف مگرنمیآری یاد
فریادزایام جوانی فریادسودابه میان شصت وهفتادافتاد

یک رباعی گله آمیز نیزازخواجه غیاث دردست است که درآن به یزدی بودن وهنروسخندانی خوداشاره کرده است؛ولی مضمون ومفهوم آن باآسایش وعزتی که خواجه درزندگانی داشته، مغایرت دارد:

بیچاره کسی که شهریزدش وطن است زین هردوبترکسی که اهل سخن است
بیچاره ترآنکه نقشبندیش فن است ناچارکسی که هرسه داردچومن است(رمضانخانی، همان: ۴۴و۴۵)

زندگی خصوصی خواجه غیاث الدین

خواجه غیاث الدین دوبارزناشویی کرده وازاوشش پسربه جای ماندکه خود اونام آنهارادراین قطعه آورده است:

ای سروسرورخردمندان من که دریزد، رشک ایرانم
برسرصدهزارگونه عطا"افضل»و"اکمل»و"رفیع»و"معز»
«اصغر»است و"ابوالفضایل»خردازکرم ای کریم عقده گشا
همه رادرهنرگرامی کن بشنوحالماوفرزندان
درهنر، برگزیده، یزدانم شش درم داده ازدودرج خدا
که نبینم زوالشان هرگزصاف درسیرتوبه صورت درد
صانع بیش ریکارضوسمادرکمالاتوفضلنامیکن

بعضی ازفرزندان غیاث نیز مانند خوداوهنرمندبوده وبه نقشبندی وبافت پارچه های گرانبها روزگار میگذرانیده اند؛ ولی از آن میان فقط نام ورقم یک ازپسران او یعنی "معزالدین» به صورت "معز»و" ابن غیاث» برروی پارچه ها باقیمانده است (رمضانخانی، همان: ۴۶).

Archive of SID

www.SID.ir

نقاشی آبرنگ ازکوچه مسجدجامع یزددرقدیم؛آنگونه که میگویندسرهمین کوچه درسمت شمالی یاراست تصویرکارگاه شعربافی خواجه غیاث وآنگونه که استاد پیرنیاگفته اند درسمت جنوبی یا چپ این کوچه خانه اوبوده است.از قراین پیداست که بیشتر افراد خانواده وفرزندان ونواده های اومردمی هنرمند ومحترم بوده اند. ازجمله ازخویشان نزدیک او"خواجه سیف الّدین محمدنقشبند»است که مردی سرشناس بوده وبه نقشبندی میپرداخته است ودیگر"زکیا»عمزاده سیف الدین مزبورکه یکی ازتذکره هادرباره اش مینویسد: "ازنواده های خواجه غیاث نقشبنداست. اصل اویزد است امادراصفهان می بوده وطبعش درنظم خالی ازلطف نبودودرنقشبندی هم دستی عظیم داشت ودراصفهان فوت شد. درحین تحریراین مقاله که دوسنین ازسنه ثمانین والفهجریه هجرت نموده، از نبایرو اقوام آن جناب جمعی دربلده جنت صفات یزد درکمال عزت، روزگارمی گذرانند واشرف وافضل ایشان، حکمت پناه، جالینوس زمان "میرزامحمد مفیدا»ولد مرحمت پناه"معینامحمدایحکیم»است که به صفت زهدوطاعت وحسن خلق وعبادت آراسته ودرمعالجه مرضی وازاله عللبرایا، آثارنفس مسیحاظاهرمیگرداند(مستو فی بافقی، همان: ۱۲۳ورمضانخانی، همان: ۴۶و۴۷)

ب: جایگاه و آثار غیاث الّدین در طراحی پارچه

هر چند تا اواخر قرن دهم قمری طرحهای پارچه دچار تکرار و تقلید از نقوش پیشین شده بود، اما توام با ثبات سیاسی رونق اقتصادی و حمایت ویژه شاه عبّاس از صنایع نسّاجی، شرایطی فراهم آمد تا از سویی کارگاه های بافندگی رونق می گیرند و از دیگر سو، با شناسایی و تشویق طراحان نوآور زمینه مستعدی در آفرینش طرحهای بدیع، فراهم می آید. بر این اساس در یزد نیز شاهد ظهور و درخشش غیاث الّدین یزدی هستیم که با عزیمت به اصفهان و ریاست بر کارگاه های سلطنتی به برجسته ترین طراح پارچه در تاریخ نساجی ایران شهرت یافت.

Archive of SID

www.SID.ir

اساسا در عصر صفوی دو ابتکار فنی در طراحی و بافت پارچه رخ نمود که غیاث الّدین پرچمدار و برجسته ترین استاد هر دوی آنها بود. نخست پارچه چند تایی و دیگری مخمل، ابتکار غیاث الّدین در بافت پارچه بدان حد بود که با آمیزش سه پارچه به رنگهای سبز و سرخ و سفید، قابهایی ایجاد کرد که نه تنها گل های ظریف و پرندگان و جانوران طبیعی بلکه حتی نقش یک جوان درباری، در حال استراحت را در برداشت. همچنین مهارت او در طراحی و بافت پارچه های مخملی بدان حد بود که مهمترین مخملهای این دوران با تصاویری از انسان متعلق به اوست(پوپ، ۱۳۳۸: ۱۹۲-۱۹۱)

علاوه بر این در دورانی که تنوع طرح سرآغاز سبکهای نوین بود غیاث الّدین مبدع یکی از دو مکتب هنری به شمار می رفت که غالبا از طرحها و نقوش کوچک استفاده می کرد(همان: ۴۳).از سوی دیگر هر چند بر منبای آثار به جای مانده محافظه کاری غیاث الّدین به سبک تبریز-یزد فوق العاده چشم گیر به نظر می رسید اما این موضوع به معنای تنزل وی در سطح مقلدی صرف به شمار نمی رفت.

پیشتازی وی در ابتکارات مطلق و انسجام عناصر متشکله یک طرح خاص به حدی بود که استحکام سبک وی را زبانزد می ساخت. همچنین با وجود آنکه غیاث الّدین را نمیتوان چون بهزاد- به رغم قابلیت قیاس در تنوع طرح – پایه گذار سبکی خاص دانست اما ابداعات وی باعث شد تا بافندگان یزدی در بافت پارچه هایی تخصص یابند که طرح اصلی آنها را گیاهانی پر از گل با هلالی شبیه به طاق محراب بر گرد آن تشکیل می داد(پوپ، ۱۳۳۸، ۱۹۲).

در مجموع طرح های غیاث الّدین که عمده شهرتش به ترسیم تصاویری از حیوانات(اکرمن، ۱۳۶۳: ۵۴) و موضوعات تزیینی بود(زکی، ۱۳۶۳، ۱۶۴). نه تنها در دربار شاهان صفوی، بلکه در پایتخت های کشورهای هند، عثمانی و مغرب زمین نیز مشتریان بسیاری یافت و بافت طرح های او به دست نسّاجان یزدی درهندوستان موجب نامداری یزد در دیگرممالک گردید(پوپ، ۱۳۳۸: ۱۹۲).

Archive of SID

www.SID.ir

برخی ازمهمترین بافته های یزد

هنرشعربافی دریزد

صنعت نسّاجی یکی ازصنایع هنری اصیل ایرانی است اماشایدنامدارترین شهردرزمینه صنعت نسّاجی درایران شهر یزد باشد. چراکه ازگذشته‌های دورترمه‌هاوپارچه‌های فاخرودستمالهای زیبای این شهرازجاده ابریشم به تمام جهان فرستاده می‌شده. جایگاه این بافته‌های زیبا دریادوخاطره ماوشایدتمام ایران غیرقابل انکاراست.

امانسّاجی سنتی یزد رابه صورت عامیانه دریزدشعربافی می گویند.

شعربافی چیست؟

به مجموع مشاغل نسّاجی سنتی یزد ازقبیل دارایی بافی،احرامی‌بافی،ترمه بافی،بافت دستمال های سنتی و شال وغیره راکه به وسیله دستگاه سنتی بافندگی بافته می‌شوددر یزد شعربافی اطلاق می‌شود.

اگرماامروزشهر یزد را به خاطرخانه‌های گلی وبادگیرهای زیبایش می‌شناسیم قطعاً درگذشته این شهر را به خاطر پارچه‌های زیبا و فاخرش می‌شناختند. شهری که ازشرق تاغرب همه آوازه این راداشتند ازهندگرفته تا شمالی‌ترین شهرهای دریای کاسپین ازترمه های بسیار زیبایی که برای مردم کشمیربافته می‌شده تاکارخانه‌هایی نسّاجی که درشمال ایران ساخته شدند همه وامدارهنرصنعتگران یزدی اند.

اماچه تعدادکارگاه صنعتگرپارچه بافی شعرباف در یزد وجودداشته اندکه دامنه هنرخود را از شرق تاغرب جهان پراکنده کرده اند؟ شعربافی سنتی که بادستگاه سنتی پارچه بافی صورت می گیردهم اکنون دریزد منسوخ شده واکثرصنعتگران باماشین صنعتی مشغول کارمی‌باشند.

برطبق کتیبه وسنگ نوشته قدیمی موجود در دهلیزدرب اصلی مسجدجامع درگذشته شغل اکثرمردم یزد یاشعربافی بوده است ویامشاغلی دررابطه باآن مثل نخ ریسی و

www.SID.ir

رنگرزی وتهیه ابریشم و غیره. درمورد انواع پارچه‌های تولیدی توسط این شعربافان اطلاعات مابسیارکم است واحتمالاًدرگذشته تعداد زیادی از انواع تولیدات شعربافی وجودداشته است که هم اکنون فراموش شده وغبار روزگارنام ویادآنهارا ازاذهان زدوده است (رمضانخانی، همان: ۲۲۸).

امااز‌انواع تولیدات شعربافی که هم اکنون موجود است می‌توان موارد زیررانام برد:

زری بافی

زری، نفیس ترین وافسانه ای ترین دستبافته منسوخ شده ایرانی است که درروزگار رونق ورواج خود شهرتی عالمگیرداشته وهم اکنون نمونه‌هایی ازآن زینت بخش موزه‌ها وسایرمراکزهنری ایران ودیگرکشورهای جهان است. دارای سابقه ای طولانی ازلحاظ بافت وتولیدمی‌باشد. هرچندکه درتاریخ نساجی ایران زمان پیدایش زری ناپیداست، ولی به طوراجمال ازتاریخ وکتب قدیم هچنین استنباط می‌شودکه نخست درزمان هخامنشیان وسپس درزمان ساسانیان بافتن پرده‌ها وپارچه‌های زری رواج داشته وبرای تزئین کاخهای سلاطین وکلیساهای جهان به کارمی‌رفته است. ضمن آنکه"هرودوت»و"اوستا»چیزی شبیه به زری راوصف کرده اند.

مرکزعمده زری بافی ایران درگذشته یزد بوده است وازاین شهربه دیگرنقاط جهان صادرمی‌شده است.

این رشته هم اکنون دریزد منسوخ شده ودرحال حاضرکسی بدین رشته مشغول نمی باشد(رمضانخانی، همان: ۲۳۱).

پرده بافی

طبق انجام تحقیقات دراستان یزد و بررسی کارگاههای سنتی دراستان درحال حاضر متأسفانه کارگاه پرده بافی فعالی درسطح استان وجودندارد ولیکن تاچندسال پیش بافت پارچه پرده ای انجام می‌گرفته است.

www.SID.ir

بافت پارچه پرده ای منحصراًدرشهرستان یزد معمول و بافندگان اکثرا مرد بوده اند. دستگاه بافندگی فرآورده مذکورچهاوردی بوده است.

این رشته هم اکنون دریزد منسوخ شده وهیچ صنعتگری دراین رشته مشغول فعالیت نمی‌باشد(رمضانخانی، همان: ۲۳۱).

رولحاف بافی

رویه‌ی لحاف کلاًبه وسیله دستگاه چهاروردی بافته می‌شودولی طی سالهای اخیراستفاده از نوعی دستگاه هفت وردی که قادر به تهیه پارچه‌هایی با عرض ۳/۵ متر نیز می‌باشد در بین بافندگان رواج یافته وبه وسیله آن منسوجّاتی تولید می‌کنندکه درنوع خودمنحصربه فرد است.ازجمله افرادی که هم اکنون به این رشته مشغولندتنها بایدازاستاد محمدعلی زنجیریان جمال آبادی نامبرد(رمضانخانی، همان: ۲۳۲).

شمدبافی

شمدنوعی پارچه ابریشمی یا پنبه ای است که معمولاً به عنوان رواندار در فصل‌تابستان استفاده می‌شود.

این رشته درلیست رشته‌های صنایع دستی ثبت نشده است وهم اکنون تنهابه صورت بافت ماشینی در یزد به آن پرداخته می‌شود(رمضانخانی، همان: ۲۳۲)

چادرشب بافی

چادرشب بافی یاکاربافی نوعی صنعت خانگی است که بیشتر در شهرستان یزد، اردکان وبخش زارچ تهیه می‌گرددمردان وزنان درکنارکشاورزی به بافت چادرشب مشغول وبیشتر درابعاد ۲۰۰*۲۰۰ سانتیمترباطرح چهارخانه یا پیچازی تهیه می‌شودوبارنگهای مرکب از نیلی،قرمز،زرد،سبزومشکی آمیخته شده اکثراً به مصرف رختخواب پیچی می رسد. هم اکنون این رشته در یزدتنها به بافت ماشینی می‌باشد(رمضانخانی، همان: ۲۳۳)

Archive of SID

www.SID.ir

بافت دستمال

که سه نوع دستمال می‌باشد:

الف) دستمال عشایری

ب) دستمال ابریشمی

ج) دستمال مرسریزه

مرکزعمده زری بافی ایران درگذشته یزد بوده است وازاین شهربه دیگرنقاط جهان صادرمی‌شده است.

این‌رشته هم اکنون دریزد منسوخ شده ودرحال حاضرکسی بدین رشته مشغول نمی باشد (رمضانخانی، همان: ۲۳۳)

قناویز

نوعی پارچه که درسالهای گذشته دریزد بافته می‌شده است قناویز نام دارد که متأسفانه درحال حاضربافت آن دیگرانجام نمی‌شود(رمضانخانی، همان: ۲۳۳)

احرامی‌بافی

بافت پارچه ای به نام"احرامی»باتاروپود پنبه ای معمولاًدراندازه‌های ۷۰*۱۰۰ سانتیمترودیگری ۹۰*۱۲۰ سانتیمترتهیه می‌شود باعرض۷۰سانتیمترداری ۲۲ چله وباعرض ۹۰ سانتیمترداری ۲۸ چله است،یک نفر بافنده می‌تواندروزانه ۴ عدداحرامی‌به ابعاد ۷۰*۱۰۰ سانتیمتر ببافد. این نوع پارچه‌ها بیشترمورد مصرف حجاج قرار می گیرد. هم اکنون‌تنها خانواده خانم‌فاطمه‌دهقان‌نبادکی دریزدبدین رشته مشغول می‌باشد(رمضانخانی، همان: ۲۳۳)

Archive of SID

www.SID.ir

ترمه بافی

پارچه ترمه به پارچه ظریف ولطیفی اطلاق می‌شودکه ازدوسری نخ تاروپودکه بادست بافته شده باشد، به نحوی که پود درپشت پارچه به صورت آزادوتراکم پودی آن زیاد باشدجنس آن ازکرک و پشم یا ابریشم باطرحهای اصیل وسنتی ایران است. نخستین مرحله بافت ترمه تهیه کردن مواد اولیه آن است. معمولاً ترمه را از پشم وابریشم می بافنداماپشم سفیدرایج ترین پشمی است که دربافت ترمه مورد استفاده قرارمی گیردزیرامی‌توان آن رابا هررنگی که دلخواه است رنگ آمیزی نمودپشم ترمه بایدمرغوب باشدوالیاف بلندی داشته باشدکه گوسفندان ایران دارای پشم‌های نرم ومحکم خوبی بوده وتاحدود زیادی براق وسفید است وبهترین پشم گوسفند درناحیه پهلوها،شکم،پشت گردن وسروساق پا قراردارد ومعمولاً این پشم‌ها برای بافت ترمه استفاده می‌گردد. نحوه آماده کردن ریسیدن ورنگرزی کردن وبافت پشم در قرن ۱۶ میلادی درایران پیشرفت زیادی کرد. دوره شاه عبّاس صفّوی را می‌توان دوران اوج وشکوفایی صنعت ترمه بافی عنوان کرد.

به مجموع مشاغل نسّاجی سنتی یزد ازقبیل دارایی بافی احرامی‌بافی ترمه بافی بافت دستمال های سنتی وشال وغیره راکه به وسیله دستگاه سنتی بافندگی بافته می‌شود دریزدشعربافی اطلاق می‌شود(رمضانخانی، همان: ۲۳۴)

انواع ترمه

۱- ترمه چهرقدی ۲- ترمه‌شال‌راهراه ۳- ترمه‌اتابکی ۴- ترمه‌شالبندی ۵- ترمه شالمحرمات ۶- ترمه کشمیری ۷- ترمه زمردی ۸- ترمه امیری ۹- ترمه یزدی.

نکته آن که ترمه کشمیری نوع ترمه با نقش بته جقه است که در یزد تولید شده و احتمالاً بخاطربازار فروش مناسب در کشمیرهند به ترمه کشمیری معروف است، درکتاب ترمه‌های ایران وهند چاپ فرهنگستان هنرتهران چندین نمونه ازترمه کشمیری تولید خاندان رضایی یزدی که دریزد تولیدشده چاپ شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

ازجمله افرادی که دریزد بدین رشته مبادرت می‌ورزند باید ازخانواده‌های رضایی، حسینی،هاشمی،سالاری نامبرد وبقیه کارگاه های موجود به صورت نیمه صنعتی فعالیت می کنند(رمضانخانی، همان: ۲۳۴)

دندانی بافی

دندانی یاگل خورد به جامه زرتشتیان یزد نیزشهرت دارد ودرحال حاضربه این بافت اصیل کمترتوجه شده ودارای شیوه بافتی ظاهراً ساده اما پرزحمت می‌باشد وبرای تولیدآن ابتداگروههایی کوچک درپارچه زده می‌شود وبه همین جهت نقش اساسی واصلی آن به صورت کلی ساده است، معمولاًدراطراف آن یک رشته گل‌های هفت رنگ نیز تولید می گرددکه دارای ۴ ترنج ۴ گوش به رنگ قهوه ای متمایل به سیاه در وسط ودرمیان ترنج نقوش مدور باشیوه دندانی وبه رنگ سفیدآجری بافته می‌شود وسرانجام درنوارقرمزوسیاه باحاشیه گلهای دندانی به صورت دایره‌هایی با خطوط حاشیه دار، ترکیب ساده ولی دلنشین راتکمیل می کند.

این رشته دریزدمنسوخ شده است(رمضانخانی، همان: ۲۳۵)

دارایی بافی

پارچه‌های دارایی که درسالهای گذشته در یزدتولید می گردیدتماماً ازابریشم طبیعی بوده وازرنگهای سنتی وگیاهی نیزاستفاده می‌شده ولی درحال حاضر ازنخ ویسکوز برای تار وازابریشم مصنوعی یا ویسکوز برای پود استفاده می گردید.

بانوع وشیوه بافت دارایی انواع پارچه جهت مصارف مختلفی همچون: رولحافی، بقچه سوزنی و رومیزی تولید می گردد. با استمراراین شیوه ازسالهاپیش و باپیاده نمودن طرحها ونقشه‌های بیشماری وباپیاده نمودن ازساده‌ترین تاپیچیده ترین وهمچنین نقشهای هندسی این"هنرصنعت»ازنسلی به نسل دیگر انتقال یافته وهنوزهم ازآن نام ونشانی به جاست. پارچه‌های دارایی راهیچگاه مانندهم نمی‌توان یافت وهرکدام نرمی ومواجی ویژه

www.SID.ir

ومخصوص به خودراداردکه آن را ازانواع دیگربافتهای رنگی نوکلاقهای(باتیک) متمایزمی‌سازد.ازجمله افرادی که هم‌اکنون دریزد به این رشته مشغول می‌باشند بایدازغضنفرملک‌ثابت،رمضان‌رضایی،شریف ترک، قدیرزاده، مهرنیا نامبرد(رمضانخانی، همان: ۲۳۵)

ب: مخمل

در میان انواع منسوجاّت عصر صفّوی، بهترین محصول کارگاه های پارچه بافی را مخمل تشکیل می داد(آکرمن، ۱۳۶۳: ۱۷) هر چند مهم ترین مراکز مخمل بافی ایران در حوزه ی کویر مرکزی جای داشتند(اما مهارت برجسته مخمل بافان یزدی در تغییر شکل طرحها که عمدتا گیاهان تخیلی را در بر گرفت)به نوعی در میان طراحان این پارچه منحصر فرد بودوآنها را به بافت مخملهایی با کیفیت منحصر به فرد شهرت بخشید. همچنین نقوش پیچک های نیمه طبیعی و نیمه تخیلی در اندازه های بزرگ بر روی تعدادی از پارچه های مخمل نمادی از خلاقیت و وجه تمایز سبک یزد بود(اکرمن، همان: ۷۸-۷۷)

به هر حال، از میان آثار به جای مانده دو نمونه از مخمل بافت های یزد نمادی از مهارت نسّاجان ایران عصر صفوی به شمار می روند. مخملی که بافت اختصاصی یزد بود و به رنگ عنّابی سیر برای جانماز در خانه ها استفاده می شد(زکی، ۱۳۶۳: ۲۵۰-۲۴۹)و قطعه ای که با بادزنهای نخلی و شاخه نباتات گلدار تزئین شده و یکی از دو پارچه ای بود که سفیر شاه عبّاس کبیر در ۱۶۰۰ م / ه.ق. ۱۰۰۹ به عنوان هدیه برای دوک شهر ونیز فرستاد(همان: ۱۶۵) گذشته از پارچه زربفت و مخمل که طراحان و نسّاجان یزدی در تولید آنها شهرتی جهانی داشتند تنوع محصولات کارگاه های بافندگی یزد را می توان در نمونه های دیگری شاهد بود. ترمه: پارچه ای که گویا در بدو ورود از کشمیر به ایران توسط زرتشتیان یزد رواج یافت(اشرافیان، ۱۳۷۸: ۷۹) شرفه: متاثر از سبک غیاث الدّین یزدی(آکرمن، ۷۰) اطلسی: با تصاویر صورت انسان(همان: ۶۲) دارایی: که از ابریشم بافته می شد(آکرمن: ۱۳۶۳: ۲۴) بنت: پارچهای با بافت دولا و موضوعات گیاهی(همان:

www.SID.ir

۷۴) تافته، چوچونچه(ایرانشهر، ۱۳۴۳: ۱۸۰۹) انواع پارچه قملکار نظیر: باغی، گل و گلدان، کتیبه دار، محرابی، خانه خانه، سرو و بته جفه،(روح فر، ۱۳۸۰، ۵۰) شال کمر: از پنبه(همان: ۳۰) و پارچه های غلکی از پشم(شاردن، ۱۳۳۶: ۳۶۰)

نتیجه گیری

برخی ملت ها این بخت را داشته اند که در تاریخ تمدن، جایگاهی والا و در زمینه هنر، آن چنان پیشتاز باشند که دیگران از آنها، سرمشق گیرند. یونانیان، ایرانیان و چینی ها، برفراز این ملتها جای دارند.تاریخ نیز شاهدی است بر این ادعا که ایران در زمینه هنرهای اسلامی، برتری را از آن خود ساخته است ؛ بنابراین به جرأت می توان ایرانیان را هنرمندان بالقوه لقب داد.در گستره کشورمان ایران مناطقی است که نه تنها ویژگی فرهنگی منحصربه فردی دارند بلکه در تاریخ هنر ایران زمین، جزومهمترین مراکز هنری کشور محسوب می شوند.

استان یزد، یکی از شاخص ترین استانهایی است که علاوه بر داشتن ویژگی های معماری منحصر به فرد، دو مقوله فرهنگی و هنری را نیز داراست. این استان، که سالهاست در میان کویری بی انتها جسورانه برقهر طبیعت تاخته است، توانسته است نه تنها با تلاش های خستگی ناپذیرش آب این گوهر نایاب کویری را از دل خاک بکاود و زمین تفتیده کویریش را آبادان کند، بلکه در عرصه هنر و آفرینش زیباترین شاهکارهای هنری، جایگاهی ویژه درتاریخ هنر ایران به شمار آید.هنروصنعت نساجی در استان، از اصیل ترین، سود آورترین و پیشتازترین صنایع محسوب می شود؛ به گونه ای که این استان را دومین کانون نساجی کشور ساخته است.صنعت نسّاجی در یزد دارای پیشینه ای بس طولانی است؛ آن چنان که آوازه این هنر را می توان از گذرگاههای دور و نزدیک شنید.به گفته برخی محققان این صنعت در یزد به دوارن قبل از اسلام می رسد.شناخت حد پیشرفت هنر و صنعت نساجی ایران و همچنین استان یزد در دوران بسیار گذشته(مادها وقبل از آن)به علت فقدان آثار منسوجات آن عصر، کاری بس دشوار می

www.SID.ir

نماید؛ با این وجود با بررسی بر روی برخی نمونه های به دست آمده می توان به این نتیجه رسیدکه پارچه بافی درروزگاران کهن مرسوم بوده است حتی برش و دوخت آن نیز، معمول و رایج بوده است.تنها نشانه ای که در این مورد در یزد دیده شده، نگاره ایست برجسته بر روی سفال یافت شده در نارین قلعه میبد یزد که دارای نقش ترکیبی انسان و حیوان متعلق به دوران آئین های کهن است و برخود پوشش قبا گونه ای دارد.

با ظهور اسلام و گسترش آن در فلات ایران تازیان با ملتهای اصیل دیگری در هم آمیختند، ملتهایی که درتمدن صنعت و هنر از آنها جلوتر بودند. در این زمان صنعت پارچه بافی درسرزمین های گوناگون اسلامی بسیارتشویق و حمایت می شود ؛چنانکه خلفا و پادشاهان برای پاداش به دولتمردان خود، خلعت های گرانبهایی از بافته های ابریشمین نفیس می بخشیدند و ایران نیز از موقعیتی که بخش بزرگی از خاور نزدیک را زیر قلمرو مسلمانان در می آورد، بهره می گیرد و در نتیجه بازرگانی این کشور رواج چشمگیر می یابد و صدوربافته های ابریشمی ایران به سایر بلاد اسلامی، گسترش می یابد.

مارکوپولو، جهانگرد معروف قرن هفتم هجری که به یزد سفر کرده است، درسفر نامه اش این چنین می نویسد:«یزد شهر بزرگی است که از لحاظ تجارت و رفت و آمد، نقطه مهمی به شمار می رود.یک نوع پارچه ابریشمی و طلایی در آنجا بافته می شود که موسوم است به پارچه یزدی که به همه جای دنیا صادر می شود.

به سبب حمایت از بافندگان ایران، یزد و شهرهایی چون اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم و تبریز از مهمترین و بزرگترین مراکز اصلی ابریشم بافی شمرده می شوند؛ در این دوره یزد به بافتن پارچه ای به نام دیباج معروف می گردد که گاه با تاری از نخهای زرین بافته می شود. علاوه بر آن در دوران صفوی، یعنی دوران طلایی در صنعت پارچه بافی ایران، ما شاهدحرکتی جهت بوجود آوردن یک طبقه هنرمند به صورت بافنده و طراح هستیم ؛از جمله ظهور هنرمند نامی غیاث الّدین که بدون تردید وی را می توان از بزرگترین هنرمندانی دانست که با تمام وجود به هنر عشق می ورزید و چنان در نقاشی بر روی مقوا برای تهیه نقوش پارچه مهارت داشت که اورا«غیاث نقشبند» می نامیدند.

www.SID.ir

به‌طور کلی، بافندگی در دوره‌ی صفوی پیرو دو سبک هنری خاص بود.سبک اول به رهبری‌غیاث الّدین و سبک دوم به رهبری نقاش معروف آن زمان رضا عباسی بوده است.

با تاسیس سلسله صفّوی به سال ۹۰۷ ه.ق که با رشد تجاری و حمایت سلاطین از صنایع بافندگی همراه بود. کارگاه های نساجی یزد نیز با تولید پارچه های زربفت و مخمل، به شهرتی جهانی دست یافت.در واقع فعالیت تجار در تهیه ابریشم خام از استرآباد و خراسان نظارت دولتی بر کارگاه های نسّاجی و مشتریان بسیار در ایران و دیگر کشورها را می توان از جمله مهمترین عوامل گرایش اهالی به نساجی و حتی هدایت بخشی از کشاورزی به تولید مواد خام مورد نیاز آن دانست.یزد که در سایه امنیت و ثبات نسبی و موقعیت مواصلاتی و جغرافیایی و قدمت منسوجّاتش به دوران اولیّه ی اسلامی می رسید همزمان با هجوم مغول و عصر ایلخانان با جذب صنعتگران دیگر مناطق، به یکی از کانون های نسّاجی ایران بدل شد.

گسترش همیاری نقاشان و نسّاجان در عصر صفوی، در یزد به خلق شاهکارهایی در خور توجّه منجر گردید اما الگو پذیری طراحان یزدی از تبریز، توام با شیوع رکود نساجی در این منطقه، باعث شد تا اواخر قرن دهم هجری قمری طرحهای یزد نیز با استثنائاتی تکراری شود. این امر که نمایی از شرایط حاکم بر دیگر مناطق ابداعاتی شگرف در زمینه طرح و سبک پارچه بافی گردید. چنانکه تاثیر رخداد مذکور را در یزد میتوان در ظهر برجسته ترین طراح تاریخ نسّاجی ایران یعنی غیاث الّدین یزدی شاهد بود.

براین اساس هر چند غیاث الّدین همچون بهزاد بنیان گذار سبکی خاص نبود ودر آثار محافظه کاری نسبت به سبک تبریز نمایان است اما چه در نوآوری طرح و چه از حیث ابتکارات فنی در پارچه بافی، الگویی را فراهم آوردکه نسّاجان یزدی با پیروی از آن باعث تمایز منسوجّات شهر خود از دیگر مراکز بافندگی ایران شدند.

Archive of SID

www.SID.ir

کتابنامه :

۱. آکرمن، فیلیس(۱۳۶۳ ه.ش). ***نسّاجی سنتی در ایران قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶***، ترجمه فروهر نورماه، زرین دخت صابرشیخ، تهران: صنایع دستی ایران.

۲. آذر بیدگلی، لطفعلی بیگ،(۱۳۳۷ ه.ش).. ***آتشکده اذر*** مقدمه و تعلیقات جعفر شهیدی، تهران نشر کتاب.

۳. ابن بلخی،(۱۳۷۴ه.ش). ***فارسنامه ابن بلخی***، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز، بنیاد فارس شناسی.

۴. اشرفیان، هادی،(۷۹-۱۳۷۸ ه.ش)***بررسی دستبافهای سنتی یزد***، تهران دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۵. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم(۱۳۶۸ ه.ش)، ***مسالک و ممالک*** به اهتمام ایرج افشار، تهران علمی فرهنگی.

۶. افشار، ایرج(۱۳۷۴ه.ش)، ***یادگارهای یزد***، جلد۲، یزد، نیکو روش.

۷. افشار ایرج،(۱۳۷۶ ه.ش)، ***کاروانسراهای اصفهان در دوره صفوی***، میراث اسلامی ایران، دفتر پنجم، قم: کتابخانه آیت ا... مرعشی نجفی.

۸. افشار، ایرج(۱۳۵۴ ه.ش)، ***بیاض سفر***، تهران: طوس

۹. الوند، احمد(۱۳۵۵ ه.ش) ***صنعت نسّاجی ایران از دیرباز تا امروز***، تهران: بی نا.

۱۰. امینی هروی، میرصدرالدین ابراهیم(۱۳۸۳ ه.ش)، ***فتوحات شاهی***(تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ق) تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ***ایرانشهر***:(۱۳۴۳ ه.ش)، جلد ۲، تهران دانشگاه تهران

۱۱. باربارو، جوزفا و دیگران(۱۳۴۹ ه.ش)، ***سفرنامه ونیزیان در ایران***، شش سفرنامه، ترجمه منوچهر امیری، تهران خوارزمی.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۲. برت، د(۱۳۴۶ ه.ش)، ***هنر ایران اسلامی، میراث ایران***، ترجمه عزیز ا...حاتمی. تهران، بنگاه ترجمه و نشرکتاب۱۴-برزین، پروین،(۱۳۴۶ ه.ش). پارچه های قدیم ایران هنر و مردم شماره ۵۹.

۱۳. بهشتی پور، مهدی،(۱۳۴۳ ه.ش)، ***تاریخچه صنعت نسّاجی ایران*** تهران اکونومیست

۱۴. بیات بایزید،(۱۳۸۲ ه.ش)، ***تذکره همایون و اکبرشاه***، تصحیح محمد هدایت حسین، تهران اساطیر

۱۵. پاپلی یزدی، محمدحسین و مجید لباف خانیکی(۱۳۷۹ ه.ش)، ***نقش قنات در شکل گیری تمدنها نظریه پایداری فرهنگ تمدن کاریزی***، قنات، جلد یک یزد شرکت سهامی آب منطقه ای یزد.

۱۶. پوپ، آرتور، ***شاهکارهای هنر ایران***، تهران فرانکلین

۱۷. تاورنیه، ژان باتیست،(۱۳۶۹ ه.ش)، ***سفرنامه تاورنیه***، ترجمه ابوتراب نوری، تهران کتابخانه سنایی و تایید اصفهان.

۱۸. حافظ ابرو، شهاب الدین عبداله(۱۳۷۸ ه.ش)، ***جغرافیای حافظ ابرو***، مقدمه و تصحیح صادق سجّادی، تهران، آیینه میراث.

۱۹. ***حدود العالم من المشرق الی المغرب***،(۱۳۴۰ ه.ش)، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران،آیینه میراث.

۲۰. ذکا، یحیی،(۱۳۴۱ ه.ش)، ***چهره های جاویدان هنر غیاث الّدین نقشبند***، هنر و مردم شماره اول

۲۱. رازی، امین محمد(۱۳۷۸ ه.ش)، ***تذکره هفت اقلیم***، جلد یک، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران سروش

۲۲. رمضانخانی، صدیقه،(۱۳۸۷ ه.ش)، ***هنر نسّاجی در یزد***، سبحان نور.

Archive of SID

www.SID.ir

۲۳. روح فر، زهره،(۱۳۸۰ ه.ش) ***نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی***، تهران سازمان میراث فرهنگی و سمت.

۲۴. رهربرن، میشل کلاوس(۲۵۳۷ ه.ش)، ***نظام ایالات دوره صفویه***، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، بنگاه، نشر و ترجمه کتاب.

۲۵. زکی، محمدحسین،(۱۳۶۰ ه.ش)، ***تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام***، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، اقبال

۲۶. سانسون، مارتین،(۱۳۷۷ ه.ش)، ***سفرنامه سانسون***، وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی، ترجمه محمد مهریار. اصفهان گلها

۲۷. شایسته فر، مهناز، ***نگاهی بر هنر نساجی ایران***، انتشارات ماه هنر، سال انتشار ۱۳۸۷

۲۸. شاردن، ژان،(۱۳۳۶ ه.ش) ***سفرنامه شاردن***، ترجمه محمد عبّاسی، جلد ۴، تهران، امیرکبیر

۲۹. صبا، محمد مظفر حسینی(۱۳۴۳ ه.ش)، ***تذکره روز روشن***، تصحیح محمدحسین رکن زاده آدمیت، تهران کتابخانه رازی.

۳۰. طالب لو، فریده، ***تاریخ پارچه و نساجی در ایران***، دانشگاه الزهرا، سال انتشار ۱۳۸۶، چاپ اول

۳۱. شایسته فر، مهناز، ***نگاهی بر هنر نساجی ایران***، انتشارات ماه هنر، سال انتشار ۱۳۸۷

۳۲. فوران، جان(۱۳۸۳ه.ش)، ***مقاومت شکننده***، ترجمه احمدتدّین، تهران رسا

۳۳. قاری، نظام(۱۳۰۳ ه.ش) ***دیوان البسه***، استانبول، چاپخانه ابوالضیا

۳۴. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود(۱۳۷۳ ه.ش). ***آثار البلاد و اخبار العباد***، ترجمه جهانگیر میرزا قاجارتصحیح میرهاشم محدث، تهران امیرکبیر.

Archive of SID

www.SID.ir

۳۵. کاتب، احمد بن حسین بن علی(۲۵۳۷ ه.ش). ***تاریخ جدید یزد***، به کوشش ایرج افشار تهران امیرکبیر.
۳۶. کاشانی میر تقی الدین(۱۳۸۴ ه.ش)، ***خلاصه الاشعار*** به کوشش ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنموئی تهران میراث مکتوب
۳۷. کلاویخو، گونسالس روی(۱۳۶۶ ه.ش)، ***سفرنامه کلاویخو***، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران علمی و فرهنگی
۳۸. کمپفر، انگلبرت(۱۳۶۰ ه.ش)، ***سفرنامه کمپفر***، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران خوارزمی
۳۹. مستوفی باقی، محمد مفید(۱۳۳۸ ه.ش)،***جامع مفیدی،*** به کوشش ایرج افشار تهران اساطیر.
۴۰. مک داول، الگرود(۱۳۷۴ ه.ش)، ***نسّاجی هنرهای ایران زیر نظر فریه***، ترجمه پرویز مرزبان، تهران فرزان.
۴۱. منصوری، فیروز،(۲۵۳۷ ه.ش)، ***کرک یراق چیست؟ گرگ باران دیده چیست***؟ هنر و مردم، سال ۱۶، شماره ۱۹۰-۱۸۹
۴۲. میرزا سمیعا(۱۳۶۸ ه.ش)، ***تذکره الملوک*** به کوشش محمد دبیر سیاقی تهران: امیرکبیر
۴۳. مینورسکی، ولادیمیر(۱۳۷۸ ه.ش)، ***سازمان اداری حکومت صفوی***، ترجمه مسعود رجبی، تهران: امیرکبیر
۴۴. نوایی، عبدالحسین(۱۳۶۸ ه.ش)، ***شاه طهماسب صفوی***، اسناد و مکاتبات تاریخی با یادداشت های تفصیلی، تهران: ارغوان
۴۵. ونه، دوته(۱۳۵۳ ه.ش)، ***سفرنامه دوته ونه***، ترجمه وحید مازندرانی سخن شماره ۱۱.

Archive of SID

www.SID.ir

۴۶. یاوری، حسین(۱۳۸۰ ه.ش)، ***نسّاجی سنتی ایران***، تهران سازمان تبلیغات اسلامی

۴۷. همدانی، رشید الدین فضل الله(۱۳۶۸ ه.ش)، ***آثار و احیا*** به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار تهران موسسه مطا لعات اسلامی دانشگاه مک گیل باهمکاری دانشگاه تهران

۴۸. یاوری، حسین(۱۳۸۰ ه.ش)، ***نسّاجی سنتی ایران***، تهران سازمان تبلیغات اسلامی.

Archive of SID

www.SID.ir